

داستان‌های نوشتا

از نویسندگان معاصر ایران

(۱۳۸۵-۱۴۰۱)

به انتخاب

حسین آتش‌پرور



انتشارات مروارید

این کتاب با کاغذ کتاب سَبِک یا بالکی (Bulky Paper) فرآورده
کشورهای اروپایی، چاپ شده و در فرآیند تولید آن، هیچ گونه آسیبی
به محیط زیست نرسیده است، و مطالعه با آن لذت بخش تر است.



www.ketab.ir

آتش پرور، حسین، ۱۳۳۱-	سرشناسه:
داستان های نوشتا: از نویسندگان معاصر ایران / به انتخاب حسین آتش پرور.	عنوان و نام پدیدآور:
تهران: انتشارات مروارید، ۱۴۰۲.	مشخصات نشر:
۴۴۱ ص.	مشخصات ظاهری:
978-622-324-121-5	شابک:
قیما	وضعیت فهرست نویسی:
داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه ها	موضوع:
Short stories, Persian - 20 th century - collections	موضوع:
PIR ۴۲۲۹	رده بندی کنگره:
۸۴۳/۶۲۰۸	رده بندی دیویی:
۹۳۴۵۱۸۵	شماره کتابشناسی ملی:



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان وحید نظری، پلاک ۲۹ / کد پستی ۱۳۱۵۶۸۵۵۳۳

دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۳۶ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ فاکس: ۶۶۴۸۴۰۲۷

<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>

تخفیف و ارسال رایگان: www.morvarid.pub



داستان‌های نوشتا

(از نویسندگان معاصر ایران)

به انتخاب حسین آتش‌پور



آماده‌سازی و تولید فنی: دفتر انتشارات مروارید

صفحه‌آرایی: تینا حسامی



چاپ اول: زمستان ۱۴۰۲

چاپ و صحافی: هوران

شمارگان: ۲۲۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۲۴-۱۲۱-۵ ISBN: 978-622-324-121-5

۳۵۰۰۰ تومان

فهرست

- ۹.....خانه داستان کجاست؟
- ۲۷.....۱. در زیر پوست / ابراهیم گلستان
- ۳۵.....۲. شبنم، وقتی قرار است خیس باشد / حسین آتش پرور
- ۴۲.....۳. گمشده در گرما / آرش آذر پناه
- ۵۰.....۴. در هیاهوی باغ / علیرضا ابن قاسم
- ۵۵.....۵. ذکر عزیز / احمد اخلاقی
- ۶۷.....۶. زیر باران / میترا الیاتی
- ۷۵.....۷. جارویی که سه تار می شنوید / حسین ایمانیان
- ۷۸.....۸. هزار و سومین شب شهرزاد / محمد ایوبی
- ۸۸.....۹. هیچ جای دنیا / معصومه باقری
- ۹۶.....۱۰. مرغ مینا / محمدرضا بیگی
- ۱۰۰.....۱۱. پدر رضا ویالی / حبیب پیریاری
- ۱۱۰.....۱۲. دیوار هفتم (خاموشی) / محمدرضا پورجعفری
- ۱۱۲.....۱۳. عطر / شمیم توپچی
- ۱۱۳.....۱۴. آسانسور / هما جاسمی
- ۱۱۹.....۱۵. سیلی / سعید جوزانی
- ۱۲۳.....۱۶. همه جهان های ممکن / رضا جولایی
- ۱۲۹.....۱۷. آصف هان / رحمان چوپانی
- ۱۴۲.....۱۸. مگر قهرمان های شнай قورباغه هم سردشان می شود؟ / زینب حاجی محمدزاده ...
- ۱۵۴.....۱۹. تارا / فاطمه حسن پور

۲۰. شاعرانه نبرد / احمد حسن زاده ۱۵۸
۲۱. سفیر تمام کتاب‌ها / ابوالفضل حسینی ۱۷۰
۲۲. و جمعه بود که جَنی سرک کشید / وحید حسینی ایرانی ۱۷۷
۲۳. ابن یادگاری از من است / مریم حسینیان ۱۸۶
۲۴. برج ویران / علی حیدری آذران ۱۹۱
۲۵. آقای الف کارمند بازنشسته بانک ملی / فرهاد حیدری گوران ۱۹۵
۲۶. کلاغ مینو / ماشالله خاکسار ۲۰۴
۲۷. تماشا در مه / نسیم خاکسار ۲۰۸
۲۸. بهار اسان نزدیک است / فاطمه خلخالی استاد ۲۱۶
۲۹. فرهنگنامه روسی / بهاره خلیقی ۲۲۶
۳۰. بی‌نام گذاشتن و نگذاشتن آیا / ابراهیم دمشناس ۲۳۰
۳۱. تا دوشنبه دیگر / غلامحسین دهقان ۲۳۴
۳۲. حال چشمه / حسین رحمت ۲۴۲
۳۳. مهمان‌خانه / کاظم رضا ۲۴۶
۳۴. نغمه‌های عاشقانه اروند / صادق رضائیا ۲۵۱
۳۵. دیلمون / منیر وروانی پور ۲۵۹
۳۶. پدر - پسر / ناصر زراعتی ۲۶۴
۳۷. به‌خاطر من / کاوه سلطانی ۲۷۰
۳۸. شکار شبانه / صمد طاهری ۲۷۲
۳۹. پته کور / رضا عابد ۲۸۰
۴۰. عروسی در کوچه‌باغ خونی / حسن عالیزاده ۲۸۷
۴۱. اتاق پرغبار / اصغر عبداللهی ۲۸۹
۴۲. نرگس / حسین فاضلی ۳۰۲
۴۳. ح کایت مهندس پوراسدالله حاجی / علی مراد فدانی‌نیا ۳۰۶
۴۴. زلزله / محمد قاسم‌زاده ۳۱۱
۴۵. در قهوه‌خانه بین راه / فرزانه قیاسی نوعی ۳۲۱
۴۶. یاور / فرهاد کشوری ۳۳۱

۴۷. سگ گنده خانه آجر قرمز / هادی کیکاوسی ۳۴۵
۴۸. دنیای مردگان / سیاوش گلشیری ۳۵۳
۴۹. عموها / مهدی گنجوی ۳۶۹
۵۰. اتوبوس بعدی / معین محب علیان ۳۷۳
۵۱. زیر کاج‌های خیس / مهستی محبی ۳۸۴
۵۲. دور ریختن بچه همراه با آب لگن / بهاء‌الدین مرشدی ۳۹۰
۵۳. راه سوم / محمد حسین مدل ۳۹۳
۵۴. بعد از باد، او - پدرم شهریار بود / لیلا منفرد ۳۹۵
۵۵. ورق‌های بازی / محبوبه موسوی ۴۰۶
۵۶. عمویم به عشق آباد رفته بود / علی نجفی ۴۰۸
۵۷. برجکِ پیرزن / مجتبا زریمان ۴۱۳
۵۸. پشت پنجم / حسین نوش‌آذر ۴۲۳
۵۹. او که ناپدید شد / عطا نهایی ۴۳۱
۶۰. امروز، همان روز / فروزان یازی ۴۳۸

خافه داستان كجاست؟

۱. گزارشي براي فردا

براي آن كه شماتيكي از موقعيت نوشتا داشته باشيم، ناگزير بايد به شرايط تاريخي آن زمان، يعني اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ بازگرديم. مقطعي كه تحولات زيربنائي در حوزه ادبيات - به خصوص داستان نويسي ما رخ مي دهد:

پاييز ۱۳۷۷ در فضاي فرهنگي ايران، سال مهمي است. از يك طرف به حذف نويسندگان مستقل، منتقد چپ پرداخته مي شود، و از طرفي مجله آدينه، كه به نوعي پاينگاه همين نويسندگان است، بسته مي شود و به جاي آن دو مجله فقط ادبي كارنامه و عصر پنجشنبه اجازه انتشار مي يابند - كه البته عصر پنجشنبه در مهر ۱۳۸۲ و كارنامه بعد از ۴۹ شماره در سال ۱۳۸۴ بسته مي شود.

رخداد مهم ديگر، پر كشيدين و كوچ بزرگان ادبيات در همين سال هاست. نويسندگاني كه سرمايه هاي ملي و فرهنگي ما هستند و شايد سال ها، يا قروني بگذرد تا يكي نظير آنها خلق شود:

هوشنگ گلشيري در خرداد ۱۳۷۹، احمد شاملو در مرداد ۱۳۷۹، احمد محمود، مهر ۱۳۸۱ و منوچهر آتشي در آبان ۱۳۸۴ پر مي كشند.

در همين دوره، ما كوچ نويسندگاني مثل براهني، منصور كوشان و ديگران را داريم. در نتيجه با يك خلا و بحران رهبري ادبي روبه رو مي شويم. شرايط به وجود آمده فضا و مسير حوزه فرهنگي - ادبي؛ مطبوعات، نشر و ادبيات را تغيير مي دهد. البته در اين دوره مجلاتي وجود دارند كه در حاشيه، شعر و داستان هم منتشر كنند.

همزمان گروه جديد روزنامه نگاران و خبرنگاران، به عنوان رمان نويس وارد فضاي داستان نويسي دهه ۸۰ مي شوند. اين گروه به ظاهر مستقل، كاملاً با

داستان‌نویسان نسل‌های قبل به‌خصوص نسل سوم، که فضای داستان‌نویسی اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ را در اختیار داشتند، متفاوت‌اند. این‌ها بیشتر با گرایش سیاسی اصلاح‌طلبی به‌نوعی جایگزین نویسندگان دهه ۶۰ و ۷۰ می‌شوند و با شیب ملایم به نفی گذشته می‌پردازند. گروهی که نه‌تنها از نظر فکری که از نظر موقعیت، فضا را از داستان کوتاه می‌گیرند، به طرف رمان و داستان بلند می‌برند و به‌شکلی با جذب و همراهی بعضی از داستان‌نویسان نسل سوم، موقعیت را به اختیار خود درمی‌آورند. از طرفی با توجه به افزایش نویسندگان، و این‌که این گروه تقریباً نشر و روزنامه و مجله و جایزه‌ها را در اختیار دارند، می‌بینیم که شمارگان کتاب با زیاد شدن جمعیت، روزبه‌روز کمتر و ناهنجاری‌های فرهنگی و تربیتی بیشتر می‌شود.

البته نباید فراموش کرد که با ورود بیشتر زنان نویسنده به حوزه داستان، در این دوره، داستان‌نویسی ما از انحصار فضای مردانه عبور می‌کند.

داستان‌نویسی مدرن ایران از جمال‌زاده تا اواخر دهه ۷۰ نشان می‌دهد که توانایی و مهارت یک داستان‌نویس بیشتر در داستان کوتاه دیده می‌شود تا داستان بلند و رمان. تجربه‌ای که نشر آن را در مجموعه داستان‌های نیمه دوم دهه ۶۰ تا نیمه اول دهه ۷۰، که دوره درخشان داستان کوتاه ماست، شاهدیم. چیزی که در رویکرد گروه جدید و نسل‌های بعد نادیده گرفته می‌شود. و اگر نویسنده‌ای داستان کوتاه بنویسد، بیشتر تمرین و پرشی است به سوی رمان و داستان بلند.

در چنین خلأ ادبی و نبود قله‌های ادبیات و مجلات ادبی اثرگذار، فضای راكد و خنثی، اولین شماره نوشتا در بهمن ۱۳۸۵ به‌گونه‌ای تخصصی به شعر و داستان، با رویکرد ادبی - هنری منتشر می‌شود.

نوشتا برای من چون مهرگان ادب یک دانشگاه زنده در ادبیات معاصر ایران است، دانشگاهی که شانزده سال، به‌اندازه عمر یک جوان به سال‌های بارانی، در آن نفس کشیدم. تجربه‌ای خاص و تکرارنشدنی. در زمانی از پختگی که می‌توانستم به خودم و خلق ادبیات بپردازم، آن را برای فرهنگ هزینه کردم. زمانی که کمتر دیده می‌شود، اما خوشحالم که امروز می‌توانیم با بخشی از آن کوشش، که تاریخ ادبیات ما آن را در خاطر خواهد داشت، روبه‌رو باشیم.

باز می‌گردم به اولین شماره در بهمن ۱۳۸۵ که پنجاه و چهار ساله بودم. با داستان روز باشکوه و یک متن ادبی (کوزه‌ها در جستجوی کوزه‌گر) در آن حضور دارم. از شماره سوم (خرداد - تیر ۱۳۸۶) به عنوان دبیر داستان در کنار دوستم محمدحسین مدل تاکنون در هفتاد سالگی، پنجاه و چهار شماره (زمستان ۱۴۰۱) در ۶۹۴۹ صفحه با آثاری از ۸۷۶ نویسنده منتشر کردیم. پنجاه و چهار شماره‌ای که در آن ۴۲۱ داستان کوتاه (۱۷۴۷ صفحه) ۶۳ داستان خارجی (۴۰۴۵ صفحه) ۲۷۳ متن، نقد و تحلیل داستانی (۱۰۷۱ صفحه) در مجموع ۳۳۲۳ صفحه ادبیات داستانی منتشر شده است. در تمام این سال‌ها یک جریان زنده، پویا پیشرو مستقل شعر و داستان در نوشتا جاری بوده است.

برای آن که تصویر روشن‌تری داشته باشیم تنها به موقعیت داستانی شماره ۵۱ نوشتا که آخرین شماره برای انتخاب داستان‌ها بوده، اشاره می‌کنم:

یازده داستان کوتاه، دو داستان ترجمه، و شش نقد و تحلیل داستان در مجموع یکصد و بیست و شش صفحه نوشتا را به خود اختصاص داده است که با توجه به صفحات نوشتا یک کتاب دو بیست صفحه‌ای است.

چنین رویکرد و جایگاهی را در داستان و ادبیات داستانی، که از نویسندگان بنام تا نویسندگان جوانی که برای اولین بار آثارشان منتشر می‌شود، در کمتر نشریه و مجله ادبی می‌توانیم شاهد باشیم؟

به یاد می‌آورم، زمانی که برای همکاری با نوشتا انتخاب شدم، داستان‌نویس شناخته شده‌ای بودم. چه به عنوان یکی از داستان‌نویسان نسل سوم و هم آن که کتاب‌های: *خوابگرد و داستان‌های دیگر* (۱۳۶۹) / *اندوه* (۱۳۷۲) و *خیابان بهار آبی* بود (۱۳۸۴) از من منتشر شده بود.

در همین جا باید از حمایت‌های ارجمند آقای حسین واحدی‌پور، صاحب امتیاز و مدیر مسئول نوشتا و مدیر گروه رسانه‌ای خبر، تشکر و قدردانی کنم.

۲. خانه داستان کجاست؟

۱

با احترام به ابراهیم گلستان، مجموعه را با او که از نویسندگان خاص نسل اول است، آغاز می‌کنم. نوشتا این فرصت را داشت تا در زمان بودنش آثاری از

او، که ادامهٔ داستان‌نویسی هدایت است، منتشر کند. گلستان نویسنده‌ای است که مسیر داستان مدرن ما را با توجه به زیبایی‌شناسی زبان تغییر می‌دهد و به آن هویت هنری می‌بخشد.

۲

آنولوژی به‌خاطر گوناگونی و تنوع یک موقعیت ویژه است. به این جمع داستانی می‌شود به چشم شصت امضا و اثر انگشت، نگاه کرد. داستان‌هایی که هیچ‌کدام شبیه به هم نیستند. تجربه‌های متفاوت در زمان و مکان و موقعیت‌های مختلف با ویژگی‌های خاص خود که از روی یکدیگر نوشته نشده‌اند. در این مجموعه با تنوع ژانرهای داستان کوتاه روبه‌رو می‌شویم. مجموعه‌ای از عصاۃٔ یک تجربهٔ شانزده‌سالهٔ داستان‌نویسی ایران. در جهان شصت تجربه‌ای شرکت می‌کنیم که هرکدام خانه‌ای برای خود دارند. جدا از زاویه‌های گوناگونی که می‌شود به آن نگاه کرد، این جمع یک کارگاه آموزشی داستان‌نویسی است و می‌تواند در جهت گسترش و ارتقای آموزش به ما کمک کند.

۳

اهمیت داستان‌های این مجموعه در آن است که پازل جغرافیای داستانی را در یک پروسهٔ تاریخی - ملی - جغرافیایی و فردی کامل می‌کنند. شاید داستان‌ها هم‌وزن نباشند که نیستند، اما انتخاب هرکدام با توجه به فاکتورهای مختلف و خاص خود صورت گرفته است. چیزی که در تمام آن‌ها مشترک است، آن «آن» و یا همان فردیت داستانی است که داستان را از سایر گونه‌های نثر جدا می‌کند. در انتخاب‌ها به ذات داستان فکر کردم. وجه ادبی - هنری. خلاقیت و نوآوری. و کشف جهان تازه‌ای که نویسنده به خواننده می‌دهد. ضمن آن که مکث در محتوای انسانی داستان همراه با فرم و ساخت برایم مهم بوده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مجموعه تنوع داستانی است؛ تنوع نسل‌های داستان مدرن ایران که بسته به موقعیت، در آن شرکت دارند. تنوع زیست بومی که جغرافیای آن زبان فارسی و حضور انسان در آن زنده است. زمان و مکان امروز دیده می‌شود و در یکپارچگی آن تنفس می‌کند. تخیل و آرزوها، آداب و

رسوم، باورها، رفتار و هنجارها و ناهنجاری‌هایی که در تنوع فردیت، شبی از هزار و یک شب می‌شود. شهرزاد ضمن آن که در دیگری تکرار می‌شود، نشان می‌دهد که چگونه این ارتباط را می‌سازد و به جهان روشن نویسنده وارد می‌شود. جهانی که در آن تنوع تاریخ، موضوع، تفکر، و بوم زیست نسل‌ها به خوبی دیده می‌شود. داستان‌هایی که هر کدام هویت خودش را دارد. و جدا از اهمیت ادبی - داستانی، می‌تواند منبع شناخت پیچیده‌ترین و ناپایدارترین دوران‌های اجتماعی - تاریخی - سیاسی ما در محور رفتارشناسی و روانشناسی مردمی باشد که در این عصر زندگی می‌کنند.

مرور دوباره هر یک از داستان‌ها مرا با خود می‌برد به چهار فصل بهار شانزده سید و شصت و پنج روز، به بستر خاطرات سبزی که با هر کدام دارم. به جمع نام‌ها و نشان‌های دوستان در راه‌های دور و نزدیک پاییز و زمستان شخصیت‌هایی که در هزارتوی حوادث و وحشتی که نمی‌دانی خواب است یا بیداری، در تمام این سال‌ها بر ما و بر داستان گذشته است. به بستر سرخ رودی که کناره‌هایش به دره سبز درختان بید وحشی و عتاب و سپیدار می‌رسد. در این سفر مهمان تک‌تک آن‌ها در نقطه به نقطه زبان زخمی این خاک می‌شوم. داستان‌هایی که هر کدامش تاریخ و سرنوشت خودش را دارد. در این سفر داستانی همچنان با چشم‌های بسته با آدم‌ها و حوادث و عزیزانی می‌روم که دیگر خودشان نیستند اما داستان‌شان با من و با ماست: با فرهاد و احسان اسکندری، محمد ایوبی، علی نجفی، محمدرضا بیگی، کاظم رضا، کاوه سلطانی و اصغر عبداللهی. عزیزانی که برای همیشه با ما و با داستان خواهند بود.

۴

به‌گزینی شصت داستان از جمع سید و نود و هفت داستان منتشر شده در پنجاه و یک شماره نوشتا، ضمن آن که یک تجربه همه‌جانبه می‌تواند باشد، از زوایای گوناگون گزارشی است به جامعه ادبی. مجموعه‌ای که با آنالیز و جستجو در آن به نتایج قابل تأملی می‌رسیم:

با توجه به این که نسل‌های مختلف، نویسندگان در این مجموعه حضور دارند، نویسندگان مشهور و شناخته شده، نویسندگان نسل اول، دوم و سوم، یک‌چهارم

داستان‌های کتاب را در اختیار دارند. همچنین سهم زنان نویسنده هم یک‌چهارم از داستان‌های این مجموعه است.

از آن‌جا که در این اثر تمام نسل‌های داستان‌نویسی نمایندگانی دارند، جدا از وجه تاریخی - ادبی - یک پروسه صرفاً تاریخی را می‌توانیم در آن مشاهده کنیم. و می‌شود به این استناد کرد که داستان‌نویسی ما چه راهی را رفته و از کجا به کجا رسیده است.

نویسندگان دوسوم داستان‌های این مجموعه (چهل داستان) را نسل جوان و نویسندگان جدید تشکیل می‌دهند. نسلی که با تمام توانایی و ضعف، نشانه افق‌های تازه داستان‌نویسی امروز ایران است.

نکته جالب این که نویسندگان نیمی از داستان‌ها در شهرستان‌ها و نقاطی غیر از تهران زندگی می‌کنند.

به‌طور کل در این جمع همه از جوانان، زنان، شهرستانی و نویسندگانی که در دیگر نقاط جهان به فارسی می‌نویسند، حضور دارند. آن‌ها گستره حوزه داستان را از مرکز به دیگر نقاط توسعه می‌دهند. که این نشان از اهمیت دادن نوشتا به نسل جوان و نویسندگانی است که فضای حاکم ژورنالیستی و گروهی کمتر به آن‌ها و نویسندگان غیروابسته مجال دیده شدن داده است. البته این به آن معنا نیست که خواسته باشم ادبیات و هنر را فدای این وجه کرده باشم. در این مسیر همیشه کار برایم مهم‌تر از نام بوده و بیشتر توجه‌ام به کسانی بوده که اثر درخشانی داشته اما کمتر فرصت دیده شدن داشته‌اند.

احترام به نویسندگان نسل اول و دوم: حضورشان می‌تواند در تداوم داستان‌نویسی امروز ایران نمودی نمادین داشته باشد. اما تداوم جغرافیای داستانی این مجموعه را نسلی تشکیل می‌دهد که فرزندان ما هستند و آینده مستقل و درخشان امروز و فردا نتیجه کوشش‌های سبز و یگانه آن‌ها خواهد بود. نسلی که بعد از سال ۵۷ به دنیا آمده و حاصلش در دهه‌های ۸۰-۹۰ به بار نشست است. آن‌ها ضمن این که گذشته داستان‌نویسی ما را پشت سر دارند، دستاوردهایشان با نسل‌های قبل متفاوت است. آن‌ها به‌خاطر داشتن ابزار مدرن، با دنیا ارتباط‌های ویژه و گسترده‌تری دارند و جهان را به‌گونه‌ای دیگر تجربه می‌کنند. ممکن است در آزمون و خطا هنوز تا رسیدن به قله‌ها راه داشته باشند،

اما آن‌ها نسلی هستند که نگاه جامع، دقیق و جزئی‌تری به پدیده‌ها و اشیاء پیرامون خود دارند. و داستان را در تمام افق‌ها وسعت بیشتری می‌دهند. این نسل از کلی‌گویی و شعار عبور کرده و زمان، مکان، اشیاء و انسان در آثارشان پررنگ‌تر شده است. و زنان در داستان هویت و فردیت بیشتری می‌گیرند. مکان‌ها و خیابان‌هایی که قبلاً تاریک و ناپیدا و یا مه‌گرفته بودند، یا نامی نداشتند، کم‌کم نام پیدا می‌کنند و بیشتر دیده می‌شوند. و انسان نه به آن صورت‌ها و صف‌های کلی اغراق‌شده، به سوی فردیت مستقل می‌روند.

۵

هر کدام از داستان‌های این مجموعه بیشتر به طرح مسئله تا شرح حادثه می‌پردازد. از این بابت داستان با زبان تازه، دنیای جدیدی به خواننده می‌دهد. با تجربه‌هایی که از گذشته داریم داستان‌نویسی ما در مسیر تکامل، با تنوع به سمت استقلال داستان می‌رود. نویسندگان داستان‌ها از گذشته عبور کرده‌اند و زبان خودشان را دارند که با نسل‌های قبل متفاوت است؛ ایدئولوژی‌زده نیستند. از داستان برای بیان عقاید کمتر استفاده می‌کنند. از قهرمان‌ها فاصله گرفته‌اند و به شخصیت و فردیت نزدیک می‌شوند و به طرف ادبیات و هنر می‌روند. داستان را برای داستان می‌خواهند نه برای سیاست و در خدمت آن. داستان‌ها شناخت درونی‌تر عمیق‌تر و مجموع‌تری از انسان و محیط او به ما می‌دهد. بیشتر نویسندگان امروز به داستان می‌اندیشند تا این که داستان را مستعمره و موضوع و یا ظرفی برای محتوا بدانند.

در مسیر داستان امروز می‌بینیم که به جزئیات و فردیت بیشتر توجه می‌شود. کمتر دخالت راوی را در آن می‌بینیم و یا با دانای کل روبه‌رو می‌شویم. اغلب نویسندگان داستان‌ها، شهرستانی‌اند و هر کدام در اقلیم خاصی از ایران زندگی می‌کنند. تنوع زیست در آثارشان منعکس است. ما با راویان روایت‌ها، شاد و غمگین به سفرهای دور و نزدیک، به گوشه‌وکنار جغرافیایی می‌رویم که سرزمین شریف‌شان زبان فارسی است. داستان‌نویسانی که هر کدام ویژگی‌ها و زیست فردی خودش را دارد و کمتر به یکدیگر شباهت دارند. نویسندگانی که تنها نقطه اشتراک‌شان جمع شدن در این مجموعه داستانی است.

این‌که جای پای نویسنده کجاست و در چه زمینی قدم می‌گذارد و چه نانی می‌خورد، می‌تواند برای یک نویسنده مهم باشد. از این بابت نویسندگان داستان‌ها در زمان و مکان حضوری سبز دارند و پای‌شان بر بستر تعهدهای فرهنگی و انسانی است.

کشتش و باورپذیری اولین قدم برای ورود به هر داستان است. از این جهت ما می‌دانیم که حیوانات در کلیله و دمنه و یا موش و گربه صحبت نمی‌کنند و واقعیت ندارند اما این داستان است که حرف زدن آن‌ها را برای ما باورپذیر می‌کند.

مهارت یک نویسنده بیشتر در داستان کوتاه و رفتن به طرف فرم دیده می‌شود. و این نکته‌ای است که می‌تواند نقطه عطفی در داستان‌نویسی امروز ما باشد.

نشانی ارزش هنری یک اثر هنگامی به خواننده داده می‌شود که شکل و ساخت در آن برجسته شده باشد. در گذشته اغلب مواد خامی را در ظرفی به اسم داستان می‌ریختند و داستان را در حوزه خبر، گزارش رخداد، شرح حال و خاطره و شعار محدود و داستان را مستعمره و موضوع و بیان عقاید نویسنده می‌کردند. داستان هنگامی به استقلال خود می‌رسد که به حوزه ادبیات و هنر وارد شود؛ بهترین نمونه آن شاهنامه فردوسی است. اگر فردوسی داستان‌هایش را به نثر نوشته بود و به حوزه عالی هنر وارد نشده بود، بی‌گمان همچون تاریخ طبری، در تاریخ مهجور مانده و جهانی نشده بود.

حسین آتش‌پرور

۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲